



انتشارات امیرکبیر دو کتاب جدید به رده سفرنامه‌های خود افزوده و به تازگی سفرنامه یک پزشک اسکاتلندی و سفرنامه‌هایی از تاجران انگلیسی در عصر صفوی را با ترجمه ساسان طهماسبی منتشر کرده است.

«سفرنامه جان بل» روایت سفر پزشکی است که همراه با سفیر روسیه در دوره شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی به ایران می‌رسد. جان بل در دوره ملت‌هایی از تاریخ در ایران حضور داشته و روزهای هرج و مرج و ناامنی، شورش‌های پی‌درپی در نقاط مختلف کشور و البته خطر قریب‌الوقوع حمله افغان‌ها به اصفهان را از نزدیک دیده و حس کرده است. سفرنامه او مملو از توصیف دقیق شهرها و روستاهایی است که در ایران از آنها بازدید کرده است؛ شیوع طاعون در نیمه شمالی ایران و وضع مردم در مقابله با آن یکی از خوانندنی‌ترین بخش‌های نوشته‌های جان بل به حساب می‌آید. گزارش‌های جان بل از اصفهان و دربار شاه سلطان حسین در آن دوره ملت‌هت در تاریخ ایران نیز از دست‌اول‌ترین گزارش‌هایی است که از آن زمان به دست ما رسیده است.



«سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران» دومین سفرنامه‌ای است که چاپ اول آن در سال جدید از طرف انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. این کتاب مجموعه‌ای از هفت سفرنامه است که توسط تاجران که در دوره شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده در عصر صفوی و پس از پشت سر گذاشتن مسیری سخت از طریق روسیه به ایران آمدند، نوشته شده است. نوشته‌های بازرگانان انگلیسی بیش از هر چیز به اوضاع اقتصادی و تجاری ایران دوره شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده اختصاص دارند و یکی از منابع ارزشمند در مورد اقتصاد و تجارت ایران در این دوره به شمار می‌روند. هرچند مسائل سیاسی و اجتماعی در این سفرنامه‌ها با زتاب اندکی دارند اما اطلاعات ارزشمندی نیز در مورد اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در این گزارش‌ها یافت می‌شود. از آنجا که در اغلب سفرنامه‌ها اطلاعات چندانی درباره وضعیت اقتصاد و تجارت در یک سرزمین یافت نمی‌شود، «سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران» کتابی متفاوت و بسیار خواندنی در این رده به حساب می‌آید. «سفرنامه جان بل» در ۵۰۰ نسخه و ۱۱۶ صفحه و «سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران» در ۵۰۰ نسخه و ۱۹۴ صفحه منتشر شده و به زودی راهی کتابفروشی‌ها خواهند شد.

چند خط برای کتاب «تنها گریه کن» که با تقریظ رهبر انقلاب اوج گرفت

کتابی که با آن تنها گریه کردم

نازلی مروت

روزنامه‌نگار



«تنها گریه کن» عنوان کتابی است به قلم اکرم اسلامی که انتشارات حماسه یاران آن را منتشر کرده و به چاپ ۱۸۸ رسیده است. کتاب از همان دست کتاب‌هایی است که نویسندگان و روایتگران سرگذشت خانواده شهدای دفاع مقدس را به تکاپوی گفتن و نوشتن تشویق کرده است. این اثر، سرگذشت زندگی بانویی است متولد ۱۳۳۰ خورشیدی به نام اشرف سادات منتظری که مثل بسیاری از بانوان هم‌نسل خود زندگی ساده و معمولی داشته است؛ در نوجوانی ازدواج سنتی داشته، آفتاب، مهتاب ندیده بوده، اهل مدارا و سازش با زندگی، وفادار به همسر، عاشق فرزندان و در یک کلام کدبانو و همسری فداکار بوده است. این تعریف اولیه‌ای است که کتاب از یک زن بدون تحصیلات آکادمیک در دوره‌ای که مرزبندی عمیق و شکاف جدی بین زنان جامعه ایرانی وجود داشته، به ما می‌دهد. اشرف سادات در این مرزبندی در طیف زنان مذهبی و سنتی قرار می‌گیرد. اما قصه این زن به

یستوی خانه و مطبخ ختم نمی‌شود؛ او گرچه واحدهای درسی جنبش مدنی و مبارزه را در هیچ دانشگاه و گروه سیاسی نگذرانده اما در وجود خود چیزی به نام «من هستم» را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

او در سطح زنانگی خود فرزندان به دنیا می‌آورد ولی از اتفاقات اطراف جامعه غافل نیست. «خانم سادات» در بستر اتفاقات سیاسی جامعه، زن مذهبی سجاد نشین و فارغ از تحولات اجتماعی و سیاسی ایران نیست. او دغدغه‌های فرهنگی و مذهبی خود را دارد و می‌کوشد تا همراه مردم در این تحولات سهمی داشته باشد. گرچه همسرش در این راه چندان نقش فعالی ندارد اما مانع راه و حرکت «زن» نمی‌شود.

زنی آزادپخواه

قصه حضور شجاعانه اشرف سادات منتظری در تحولات سیاسی ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی از صف نماز جماعت مسجد شکل گرفت. مکانی که بستر تغییرات اندیشه‌ای بسیاری از ایرانیان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بود. حضور او در راهپیمایی‌ها، خلایق‌هایی که برای پیشبرد اهداف خود پیاده می‌کرده، همراه کردن خواهران و بعدها همسرش برای حضور در میدان و حتی مهاجرت‌های کوتاه مدت از قم به تهران برای حضور در صحنه مبارزات با پشتوانه‌های مذهبی و اندیشه ظلم ستیزانه این زن همراه بوده است. این که زنی جوان با چند فرزند قد و نیم‌قد، در همه عرصه‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب ۵۷ حضور داشته، خواندنی است. اشرف سادات نه یک زن چریک و نه وابسته جریان‌های سیاسی معاصر بوده، بلکه تنها زنی آزادپخواه بوده که می‌خواست کشور بر مدار دین و آزادی اداره شود، ظلم حاکمیت روح او را رنجانده و از یک زن خانه‌دار به زنی میدان‌دار در عرصه مبارزه و بعد کمک به جبهه بدل شده است.

«تنها گریه کن» فقط قصه محمد نیست

میان قصه پرفرازونشیب زندگی خانم منتظری تولد یک پسر به نام محمد با بیماری جدی مغزی اصل ماجرای کتاب است. محمد که به ادعای مادر، شفا یافته رسول... است، همدم و محرم راز مادر می‌شود و زمانی که پا به سن نوجوانی می‌گذارد، جنگ تحمیلی اوج می‌گیرد و او را وارد دنیای جدید مبارزه برای وطن و دین می‌کند. قصه شهادت محمد معماریان مثل قصه شهادت

بسیاری از جوانان دهه ۶۰ غم‌انگیز و تاثیرگذار است. اما «تنها گریه کن» فقط قصه محمد نیست، قصه مادری است که او را تربیت کرده است. محمد مصداق سخن ناب علی (ع) است که «فرزندان ما آن چیزی نمی‌شوند که ما می‌خواهیم، بلکه آن کسی می‌شوند که ما هستیم». او مانند مادرش به دنبال آزادی است. این همان خط سیری است که از کتاب می‌توان دریافت. راوی و نویسنده کتاب تلاش خود را برای اثرگذاری نقش تربیتی مادر و پدر در تربیت فرزندان کرده‌اند که یکی از نکات ارزنده کتاب، تاکید بر همین نقش است؛ گرچه رنگ و لعاب جایگاه «حاج حبیب» به عنوان همسر حامی اشرف سادات و پدر خانواده می‌توانست پررنگ‌تر باشد.

موضوع زندگی اشرف سادات منتظری؛ مادر شهید محمد معماریان که خانه و زندگی خود را در دوران جنگ به پایگاه بسیج حضرت زهرا (س) تبدیل و زندگی خود و فرزندان را وقف خدمت به جبهه کرده، از چنان جذابیتی برخوردار است که می‌توان سوز تولیدات هنری دیگری فراتر از یک کتاب نحیف باشد. آنچه با مطالعه کتاب به خوبی قابل درک است، اهتمام نویسنده به روایت سبک زندگی زنان دوران انقلاب و جنگ است. سبکی که گمشده زندگی امروز جامعه ماست و شاید بسیاری از مادر کودکی ناظر بیرونی آن در لباس آن دوران بودیم.

پراکنده‌گویی، خواننده را آزار می‌دهد!

ردپای توجه و دقت خانم اکرم اسلامی؛ نویسنده کتاب به دو مسأله مهم سبک زندگی زن مسلمان ایرانی در دوران دفاع مقدس و اهمیت تربیت فرزندان در بستر خانواده و جامعه را در تمام فصول کتاب می‌توان دید. اما با وجود این ویژگی ارزنده و قابل تقدیر، آنچه هنگام «خواندن کتاب»، خواننده را درگیر می‌کند، پراکنده‌گویی‌های راوی است. البته برای یک خانم مسن که مشکلات بسیاری را پشت سر گذاشته است، این امر کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد اما نویسنده اثر می‌توانست با پرسشگری‌های مداوم به راوی اجازه خروج از بحث را ندهد و هر فصل کتاب را در همان خط سیری که خود در نظر داشته، حفظ کند. این پراکنده‌گویی یکی از مشکلاتی است که با وجود جذابیت شخصیت و داستان زندگی خانم منتظری، خواننده کتاب را آزار می‌دهد.

نکته دیگر این‌که، یکی از مسائلی که با وجود نقل ماجرا توسط راوی، نویسنده باید با زیرکی آن را به گونه‌ای نقل می‌کرد که شائبه‌ای در ذهن خواننده کتاب بر جای نگذارد، ماجرای رؤیای صادقه اشرف سادات در صبح عاشورا است. اصل رؤیای صادقه و دیدار با آیت... گلپایگانی می‌توانست پایان قصه خانم سادات کتاب باشد.



«خانم سادات»

در بستر اتفاقات

سیاسی جامعه،

زن مذهبی

سجاده نشین و

فارغ از تحولات

اجتماعی و

سیاسی ایران

نیست. او

دغدغه‌های

فرهنگی و

مذهبی خود را

دارد و می‌کوشد

تا همراه مردم

در این تحولات

سهمی داشته

باشد

